

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

بررسی نقش میانجی خلاقیت و سبک تفکر در رابطه بین دینداری و تعالی پس از ضربه

اکرم السادات حسینی^۱، مجید ضرغام حاجبی^{۲*}، نادر منیرپور^۳، عباس حبیب زاده^۴

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی برازش مدل رابطه بین دینداری و تعالی پس از ضربه با نقش میانجی خلاقیت و سبک تفکر در جانبازان بود.

روش: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. نمونه مورد مطالعه ۳۶۲ جانباز بود که به روش تصادفی ساده از جانبازان (۲۵ تا ۷۰ درصد) بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان‌های استان تهران در سال (۱۳۹۹) انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های تعالی پس از ضربه تدسجی و کالهنون (۲۰۱۱)، دینداری آلپورت و راس (۱۹۵۰)، خلاقیت تورنس (۱۹۶۶) و سبک تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۷۹) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر و نرم افزار SPSS25 و Amos24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل مسیر نشان داد که دینداری بر سبک تفکر، خلاقیت و تعالی پس از ضربه؛ سبک تفکر بر خلاقیت؛ خلاقیت و سبک تفکر بر تعالی پس از ضربه اثرات مستقیم و معنادار داشته است. همچنین دینداری از طریق نقش واسطه‌ای خلاقیت، اثر غیر مستقیم مثبت و معناداری بر تعالی پس از ضربه جانبازان دارد.

نتیجه‌گیری: دینداری به همراه خلاقیت بر تعالی پس از ضربه در افراد مبتلا به تروما تأثیر زیادی دارد. به عبارتی، افرادی که از دینداری بالاتری برخوردارند، دینداری بر خلاقیت آنها تأثیر می‌گذارد و این افراد برای بازگشت به شرایط ایده‌آل، به کمک توانایی‌ها و امکانات خود به بازسازی ذهنی و روانی اقدام می‌نمایند؛ بنابراین تعالی پس از ضربه قابل پیش‌بینی است.

کلیدواژه‌ها: تروما، تعالی پس از ضربه، دینداری، خلاقیت، سبک تفکر.

۱. دانشجوی دکتری گروه روانشناسی تربیتی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران Sadath1341@gmail.com
۲. دانشیار گروه روانشناسی تربیتی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) zarghamhajebi@qom-iau.ac.ir
۳. استادیار گروه روانشناسی تربیتی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران monirpoor1357@gmail.com
۴. دانشیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه قم، قم، ایران habibzade2008@yahoo.com

پیشگفتار

عوارض ناشی از آسیب و ضایعات استثنایی به قدری تکان‌دهنده و بادوام هستند که در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، نام و طبقه خاصی به آنها اختصاص داده‌اند (گال و کرانسی^۱، ۲۰۱۷). ویرایش پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی انجمن روانپزشکی آمریکا (DSM-5^۲) ۲۰۱۳ رویداد تروماتیک یا تروما^۳ را چنین تعریف می‌کند: «مرگ، جراحت، تجاوز جنسی، سرطان، تصادف، تجارب جنگ و یا تهدید جدی به تجربه کردن این رویدادها». اکثریت مردم حداقل یک حادثه ترومایی را در طول زندگی‌شان تجربه می‌کنند (بریرواسکات^۴، ۲۰۱۴) به طوری که تعداد زیادی از افراد در طول زندگی حداقل یکبار با رویدادهای مهلک مواجه می‌شوند (انجمن روانشناسان آمریکا، ۲۰۱۳). جوزف ولاینلی^۵ (۲۰۰۸) معتقدند قرار گرفتن در معرض حوادث ترومایی و شدیداً تنش‌زا می‌تواند اثراتی را به دنبال داشته باشد که این اثرات به دو صورت خود را نشان می‌دهد: ۱. اختلال استرس پس از آسیب؛ ۲. رشد پس از آسیب.

این تأثیرهای دوگانه پژوهشگران را بر این داشت تا پژوهش‌های قبلی در این زمینه‌ها را مطالعه کنند. در قلمروی روانشناسی، پژوهش‌های زیادی در زمینه تأثیر حوادث ناگوار زندگی روی انسان انجام شده که عمده این پژوهش‌ها در جهت بررسی اثرات سوء این رویدادها بوده است. ولی پژوهش در زمینه تعالی پس از ضربه کمتر انجام شده است.

بنابر آنچه که گفته شد؛ تجارب جنگ یک رویداد تروماتیک است و درگیری‌های نظامی همواره پیامدهای انسانی ناگواری را در پی دارد؛ این پیامدهای ناخوشایند در طیف‌های گسترده‌ای قرار می‌گیرند. یکی از متداول‌ترین آثار مخرب و پیامدهای ناشی از

1. Gul and Karanci

2. DSM5 : نسخه پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی است که توسط انجمن روانپزشکی آمریکا در ماه مه سال ۲۰۱۳ انتشار یافت و جایگزین DSM4 شد.

3. Trauma

4. Briere and Scott

5. Joseph and Linley

درگیری‌های نظامی، آسیب‌های جسمی و روانی است. این آسیب‌ها به ویژه در نیروهای رزمنده که به طور مستقیم در جنگ شرکت داشتند، شیوع فراوان دارد. این اثرات در جانبازان جنگ تحمیلی عراق - ایران طی سال‌های ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ و تا کنون ادامه دارد؛ برخی از آنها با آسیب‌های پس از جنگ درگیر هستند و برخی دیگر با تعالی پس از نیز، شناخته می‌شوند. با توجه به این که در جامعه ایران، جانبازان با آسیب‌های پس از درگیر هستند؛ ولی از طرفی دیگر با رشد و تعالی پس از ضربه نیز، شناخته می‌شوند. در همین راستا، یافته‌های، هاوکینز و همکاران^۱ (۲۰۱۷) معتقدند: پریشانی روانی می‌تواند عواقب ناگواری برای سلامت داشته باشد.

یافته‌های مهربی، نوروزی، میرزائی و کاظمی^۲ (۱۳۹۳)، علاوه بر این که تعالی پس از ضربه در جانبازان را شناسایی کردند، همچنین دریافتند که این متغیر با تحصیلات، درصد جانبازی، دلبستگی اجتنابی، سبک مسئله‌مدار در مقابله با استرس و کیفیت زندگی روانی رابطه معناداری دارد. یافته‌های پژوهش حسینلو، جمهری و نامور^۳ (۱۳۹۶) نیز حاکی از این بود که درک از خود گشودگی به تجربه و حمایت اجتماعی، اثر مستقیم و مثبت بر تعالی پس از ضربه دارند و ارتباط معناداری بین وقایع تروماتیک جنگ که مرتبط با جامعه بودند و رشد پس از ضربه را گزارش نمودند. شامیا، تبت و وستامیس، ۲۰۱۵، به نقل از فارسی و آزرمی، ۱۳۹۴).

در قلمروی روانشناسی، پژوهش‌های زیادی در زمینه تأثیر حوادث و سوانح ناگوار زندگی روی انسان انجام شده که عمده این پژوهش‌ها در جهت بررسی اثرات سوء این رویدادها بوده است. پژوهشگران در طول ۲۰ سال گذشته، با تمرکز نظری و پژوهشی در مورد این پدیده که رنج و تروما گاهی می‌تواند به رشد روانی مثبت منجر شود (لارنر و بلاو^۲، ۲۰۱۱). تدیسچی و کالاهان^۳ (۱۹۹۶)، مدل تجربی از تعالی پس از آسیب^۳ (PTG)^۱

1. Hawkins & ed
2. Larnar and Blow
3. Post traumatic growth

ارائه دادند. براساس این مدل تجربی PTG، مکانیسم‌های اجتماعی و شناختی است (کالهن و تدسچی، ۲۰۰۶) که به صورت چند بعدی شناخته شده است و پنج مشخصه آن شامل: قدرت شخصی^۲، ارتباط با دیگران^۳، اعتماد به نفس^۴، قدردانی از زندگی^۵ و تغییر معنوی و وجودی^۶ است، مانند تغییراتی در ارزش‌ها و اولویت‌های زندگی و افزایش دینداری؛ که هم درون فردی هستند و هم موجب بهبود در روابط بین فردی می‌شوند (تدسچی، پارک و کالهن^۷، ۲۰۱۷). در جریان تعالی پس از ضربه، فرد به کمک توانایی‌ها و امکانات خود اقدام به بازسازی ذهنی و روانی‌اش در راستای بازگشت به شرایط ایده‌آل می‌نماید (تدسچی و کالهن، ۲۰۱۱؛ یونگ و لو^۸، ۲۰۱۸).

بیشتر افراد، ضربه را به عنوان حمله به باورهای پایه خود در مورد وجود انسان، رنج و هویت تجربه می‌کنند و این باورهای پایه اساساً دغدغه‌های دینی هستند. آلپورت^۹ (۱۹۶۷-۱۸۹۷)، روان‌شناس برجسته آمریکایی معتقد است که دینداری، فلسف‌های از زندگی برای فرد ارائه می‌کند که نه تنها ماهیتی عقلانی دارد، بلکه به لحاظ احساسی و هیجانی نیز ارضا کننده است. بنابراین، آلپورت نتیجه می‌گیرد که تمام ادیان بزرگ دنیا نوعی جهان بینی برای پیروان خود به ارمغان می‌آورند که هم سادگی منطقی دارد و هم زیبایی هارمونیک (به نقل از وولف^{۱۰}، ۱۹۹۷؛ ترجمه دهقانی، ۳۳۵).

۱. PTG: به تغییرات شخصی و روان شناختی مثبتی که پس از یک حادثه سخت ایجاد می‌شوند و نتیجه مبارزه فرد بر علیه حادثه استرس‌زا است، مفهوم تعالی پس از ضربه یا در اصطلاح، PTG اطلاق می‌شود.

2. Personal power
3. Communication with others
4. Self Confidence
5. Appreciate of life
6. Spiritual and Existential change
7. Tedeschi, Park and Calhoun & Yueng and Lu
8. Tedeschi, Calhoun & Yueng and Lu
9. Alpour
10. Wolf

دینداری در خلاء صورت نمی‌گیرد، بلکه عوامل زیادی در ایجاد و جهت‌گیری آن مؤثر است. افزون بر این دین یک عامل حفاظتی در مقابل آشفتگی‌های روانی است (پریبرام، ۲۰۰۰، به نقل از آب روشن و شیخ الاسلام، ۱۳۹۸).

به نظر کوئینگ (۲۰۰۷) دین برای افراد نقش سپردفاعی در برابر عوامل مخرب و زیان‌آور و تنش‌زای محیطی ایفاء می‌کند و از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌آید. همچنین شواهدی وجود دارد که رنج‌های ناشی از آسیب‌ها در زندگی، سؤالاتی را در مورد خداوند برای انسان مطرح می‌کند مثل این که: "وقتی این اتفاق در حال رخ دادن بود خدا کجا بود؟" که این یک واکنش معمول به مصیبت و درد است. توضیحات غیر متعصبین این است که دینداری در مورد تروما آشکار می‌شود تا انسان‌های ضعیف و قوی در مقابله با آسیب‌ها مشخص شوند (به نقل از ویلت، اکسلین، گروبز، پارک و پاراگامنت^۱، ۲۰۱۶؛ پارک و همکاران، ۲۰۱۷). توضیح دیگر این است که افراد ممکن است از طریق طیفی از پاسخ‌های مشخص شده به عنوان نوعی از مقابله مذهبی با اثرات تروما مقابله کنند. مقابله مذهبی در طبیعت پیچیده است و ممکن است تسهیل‌کننده یا ناتوان‌کننده باشد. یکی از وظایف مقابله مذهبی، دستیابی به یک دیدگاه جدید در مورد تروما از طریق دینداری است (پاراگامنت، کونینگ و پرز^۲، ۲۰۰۰). یافته‌های پژوهش فراتحلیل هریس، هوول و اسپورگن^۳ (۲۰۱۸)، نشان داد: مراقبه درونی و تجربه‌هایی مثل حالات وجودی در انسان دانستند که احساس آرامش و رضایت را در او ایجاد می‌کند و در نهایت با یکپارچه کردن ارزش‌ها و هدف‌های درونی انسان، منجر و به تعالی در انسان می‌شوند. همچنین نقش میانجی معنویت در رابطه بین حمایت اجتماعی و تعالی پس از ضربه در بیماران بازمانده مبتلا به سوختگی مورد تأیید قرار گرفت (آجودانی، جعفری زاده و کاظم زاده، ۲۰۱۹). همچنین پژوهش افتخارو همکاران^۴

1. Wilt, Exline, Grubbs, Park and Pargament
2. Pargament, Koeing and Perez
3. Harris, Howell, and Spurgeon
4. Iftikhar et al

(۲۰۲۰) نشان داند که نیاز های فرهنگی، دینی، روانی و اجتماعی است که مردم به سمت مناسک دینی شفافبخش روی می آورند.

یافته های پژوهش جونزلین و همکاران^۱ (۲۰۲۰) نشان داد: دینداری به مردان جوان سیاه پوست کمک می کند تا در عواقب ناشی از قتل برای ادامه زندگی معنا بسازند و امید پیدا کنند و ترس از قربانی شدن کشنده را کاهش دهند و در نهایت ترویج و توسعه مثبت در جوانان منجر به رشد پس از سانحه می شود.

یافته های برخی پژوهش ها نشان داده اند که تروما هم باعث افزایش و هم کاهش دینداری می شود. ترکولی و ارینگ^۲ (۲۰۱۴) ۳۰۰ نفر از بازماندگان مرگ ناگهانی را در رابطه با تغییرات باورهای مذهبی و اعمال خود پس از ضربه های شخصی به مرگ ناگهانی و غیر منتظره مرگ و آسیب رساندن به یکی از افراد مورد مطالعه قرار دادند. از این نمونه، ۵۰ درصد هیچ تغییری در دینداری گزارش ندادند و بقیه به همان اندازه بین کاهش و افزایش تقسیم شدند.

یافته های لی، پارک، و هیل^۳ (۲۰۱۶) نشان می دهد که تروما بر برخی از جنبه های دینداری دانشجویان تأثیر می گذارد (به عنوان مثال، باور به وجود خدا و تجربه آسایش مذهبی)، اما بر جنبه های دیگر تأثیر نمی گذارد (به عنوان مثال، شرکت در آیین های مذهبی بنابراین، یافته ها در این زمینه متفاوت است. اما آن چه مسلم است مقابله دینی می تواند در ارتقاء سازگاری و انطباق پذیری افراد در مدیریت فشار روانی مؤثر باشد (عسگریان، اصغری، حسن زاده ۱۳۹۲). انطباق و سازگاری از ویژگی های خلاقیت است. قدرت انطباق در نظریه آفرینندگی تورنس^۴ (۱۹۸۸) مطرح شده است. تورنس، آفرینندگی (خلاقیت^۵) را قدرت کنار آمدن فرد با موقعیت دشوار ذکر کرده است، به هنگام برخورد با موقعیت های دشوار و

1. Joneslin et al
2. Terkuile and Ehring
3. Lee, Park and Hale
4. Torrance
5. Creativity

خطرناک، وقتی که شخص هیچ راه حل از قبل آموخته شده‌ای ندارد؛ به درجه‌ای از خلاقیت نیازمند است.

خلاقیت از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان است که در رشد و تکامل فرد و تمدن بشری نقش مؤثر و حیاتی دارد، به همین دلیل خلاقیت عامل مهمی در بقای جوامع مملو از مسائل و مشکلات است (سوح^۱، ۲۰۱۷). خلاقیت یک سازه یا مفهوم واحد نیست، بلکه یک مفهوم در قالب برچسب علمی است که می‌تواند منجر به نتایج جدید و ارزشمند شود (گلانو و ولادپتر^۲، ۲۰۱۸).

تورنس (۱۹۹۸) معتقد است که هر زمان که نقص یا کمبودی را حس کنیم در ما تنش ایجاد می‌شود. احساس ناراحتی می‌کنیم و دلمان می‌خواهد کاری انجام دهیم تا تنش را برطرف سازیم (سیف، ۱۳۹۶) و افراد خلاق بنابر ویژگی‌هایی از قبیل: مبتکر، خطرپذیر، مستقل، ناهمنوا، سنت‌شکن، انعطاف‌پذیر و پذیرای اندیشه‌ها و دارنده تجارب نو متمایز از سایرین هستند. نسبت به دیگران نگاهی عمیق‌تر به مسائل دارند و به راه‌حل‌هایی می‌رسند که به ذهن دیگران خطور نمی‌کند (پاپالیا، الدز و فلدمن^۳، ۱۳۹۵). همچنین نورجایرداگ^۴ (۲۰۱۷) خلاقیت شامل: تفکر انعطاف‌پذیر و کمک به افراد برای یادگیری مقابله با ناامیدی و شکست، به طوری که آنها شهادت امتحان کردن چیزهای جدید و غیرعادی را داشته باشند. برتون^۵ (۱۹۳۳) خلاقیت را توانایی تفکر خارج از هرگونه چارچوب و دستیابی به نتایج جدید و کارکردی می‌داند که برای حل یک مسئله و یا استفاده از یک فرصت، مناسب است (به نقل از سیگالا و چالکیتی^۶، ۲۰۱۵). از طرفی برخی از پژوهشگران استدلال می‌کنند که دین احتمالاً برای خلاقیت مفید باشد، زیرا دین فضایل شخصی (به عنوان مثال سخت‌کوشی) و طرحواره‌های شناختی را که با خلاقیت ارتباط مثبت دارند را پرورش می‌دهد

1. Soh
2. Glăveanu, Vlad Petre
3. Papalia, Oldez and Feldman
4. Nur Cayirdag
5. Berton
6. Sigala and Chalkiti

(آسود و پاربوتی^۱، ۲۰۱۸). در پژوهش‌های مختلف نقش میانجی خلاقیت با متغیرهای متفاوتی انجام شده است و در اکثر این پژوهش‌ها، نقش میانجی خلاقیت تأیید شده است. به عنوان نمونه نقش میانجی خلاقیت در رابطه بین اهداف پیشرفت و انگیزه پیشرفت دانشجویان (سپهریان آذر، غدیری صورمان آبادی، عبدالمحمدی و صمدزاده، ۱۳۹۹)؛ نوآوری و سلامت روانی در تأثیر هوش معنوی بر عملکرد فردی کارکنان (عسکری، حمیدی‌زاده و عابدی، ۱۳۹۵)؛ کارکنان آموزش و پرورش (اله‌یار، ۱۳۹۹)؛ سبک‌های رهبری با بهره‌وری در مدیران مدارس مقطع متوسطه دوره اول (نعمتیان، کوه‌شوری و کیانی، ۱۳۹۵) و نقش میانجی‌گری تفکر خلاق در رابطه تمایزیافتگی خود و خود شکوفایی زوجین مشهد (محمدی و اصغری ابراهیم آباد، ۱۳۹۹). در بین پژوهش‌های بررسی شده، پژوهشی مبنی بر تأثیر خلاقیت و نقش میانجی آن بر تعالی پس از آسیب مشاهده نشد. علاوه بر عوامل دینداری و خلاقیت که در مورد آن صحبت شد و می‌توانند در تعالی پس از ضربه مؤثر باشند، عوامل دیگری نیز وجود دارد که در پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار نگرفته است و یکی از آنها سبک تفکر است. باتوجه به نظریه خود حکومتی ذهنی^۲، عامل دیگری که می‌تواند با تعالی پس از ضربه در ارتباط باشد، سبک تفکر^۳ است. سبک تفکر، مبتنی بر نظریه خود حکومتی ذهنی است. نظریه خود حکومتی ذهنی، شیوه‌هایی را که افراد در برخورد با مسئله و موقعیت‌های مختلف در زندگی، از آنها استفاده کرده و بر شیوه‌های دیگر ترجیح می‌دهند، تبیین می‌کند. محتوای عمده این نظریه عبارت است از اینکه: انسان آگاهانه می‌تواند تفکر خود را سازماندهی و بر خود حکومت کند (استرنبرگ^۴، ۱۹۹۷). از نظر استرنبرگ (۱۹۹۷)، سبک تفکر، شیوه اندیشیدن است؛ اما یک توانایی نیست، بلکه چگونگی استفاده فرد از توانایی‌هایش است. همچنین از دیدگاه الیس^۵ (۱۹۷۳)؛ به نقل از

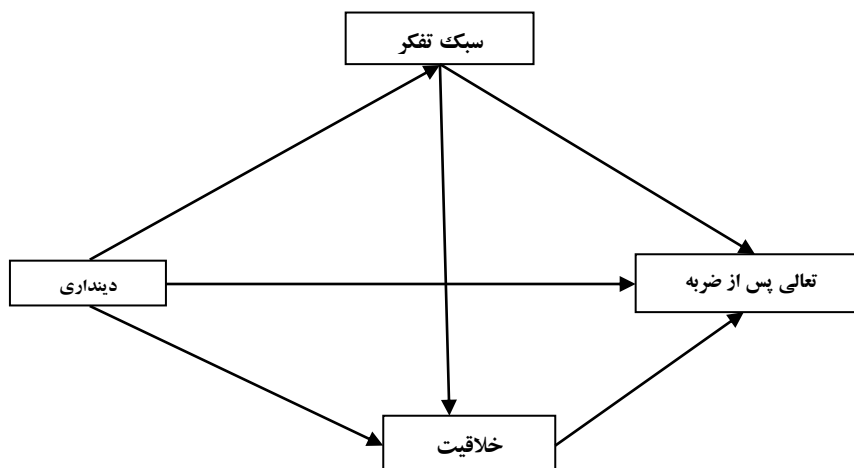
1. Assouad and Parboteeah
 2. Mental self- government
 3. Thinking style
 4. Sternberg
 5. Elis

شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۹۵)، انسان ذاتاً تمایلات نیرومندی برای تفکر و عمل به شیوه خاص دارد که می‌تواند منطقی یا غیر منطقی باشد و جهت تفکر و عمل فرد تابع محیط خانواده و فرهنگی است که فرد در آن رشد می‌یابد. وقتی حادثه فعال کننده‌ای برای فرد اتفاق می‌افتد، او ممکن است برداشت‌های متفاوتی از آن حادثه داشته باشد که بر عملکرد و رفتارش تأثیر بگذارد و طبیعتاً پیامدهای آن رفتارها، تابع شیوه تفکر او خواهد بود. دیرولنارتوتیز^۱، ۲۰۱۹ ایجاد تغییر در افکار و رفتار افراد، سبب می‌شود افراد بتوانند نسبت به تغییرات محیطی، پاسخ‌های سازگارانه تولید نمایند. بنابراین؛ انسان‌ها وقتی در موقعیت‌های سخت و طاقت‌فرسا و از جمله حوادث تروماتیک مثل جنگ قرار می‌گیرند؛ اینکه از چه شیوه‌ای برای سازماندهی تفکر و برخورد با شرایط زندگی استفاده کنند، در تعالی و رشد یا استرس آنها پس از ضربه تأثیر بسیار زیادی دارد. یافته‌های پژوهش قدم پور، خلیلی گشینگانی، عالی پور (۱۳۹۹)، نشان داد که آموزش تفکر مبتنی بر مثبت‌نگری باعث افزایش عمل به باورهای دینی و خودکنترلی در افراد معتاد شده است.

بنابر توضیحاتی که ارائه شده است، ترکیبی از عوامل دینداری، خلاقیت و سبک تفکر می‌تواند تأثیر عمیقی بر رشد و تعالی پس از ضربه در گروه جانبازان داشته باشد که در پژوهش‌های گذشته مورد بررسی قرار نگرفته است؛ و همچنین انجام پژوهشی که ترکیبی از این عوامل را در برگیرد در قالب یک مدل، دقیقتر و مطلوبتر به نظر می‌رسد و به لحاظ نظری و کاربردی نیز مورد اهمیت است.

با توجه به آنچه گفته شده است، هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی خلاقیت و سبک تفکر بر همبستگی بین دینداری و تعالی پس از ضربه و به دست آوردن مدلی جدیدتر برای تبیین تعالی پس از ضربه در جمعیت جانبازان است برای دستیابی به اهداف پژوهش مدلی (مدل شماره ۱) ارائه و مورد آزمون قرار گرفت.

1. Dheer., Lenar,towicz



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه جانبازان (۲۵ تا ۷۰ درصد) بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان‌های استان تهران در سال ۱۳۹۸ هستند. از میان جامعه آماری، براساس جدول مورگان و کرجسی، ۳۶۲ به عنوان گروه نمونه و به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. در گام بعدی، برای جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های تعالی پس از ضربه تدسچی و کالهن (۲۰۱۱)، دینداری آلپورت و راس (۱۹۵۰)، خلاقیت تورنس (۱۹۶۶) و سبک تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۷۹) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر و نرم افزار SPSS25 و Amos24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

پرسشنامه تعالی پس از ضربه توسط تدسچی و کالهن در سال ۲۰۱۱ تهیه شده است. این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی شامل ۲۱ ماده است و برای اندازه‌گیری تعالی پس از ضربه طراحی شده است. فرد باید جواب‌های خود را در یک مقیاس لیکرت شش درجه‌ای (۰ = هیچ تغییری نکرده‌ام تا ۵ = تغییر خیلی زیاد را تجربه کرده‌ام) قرار دهد. آنها ضریب

آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه را ۰/۹۰، به دست آوردند. همچنین نتایج مطالعه تدسچی و کالهن (۱۹۹۶) نشان داد که افراد مواجه شده با ضربه روانی در مقایسه با افراد عادی در این پرسشنامه نمره بیشتری گرفتند و این تفاوت در سطح (۰/۰۱) معنادار بود. همچنین در این تحقیق بین خوش بینی، مذهب گرایی و ابعاد اصلی شخصیت (NEO) به جز نوروژگرایی و تعالی پس از ضربه، رابطه مثبت وجود داشت که این نتایج حاکی از روا بودن ابزار تحقیق است (به نقل از سیدمحمودی، رحیمی و محمدی، ۱۳۹۲). سیدمحمودی، رحیمی و محمدی (۱۳۹۲) این پرسشنامه را در ایران هنجاریابی کردند. آنان نمونه‌ای ۲۰۱ نفری از دانشجویان دانشگاه شیراز را که یک حادثه استرس‌زا طی ۵ سال گذشته داشتند، انتخاب کردند و پرسشنامه‌های تعالی پس از ضربه، مقیاس عاطفه مثبت و منفی، جهت‌گیری زندگی و فهرست وقایع زندگی را تکمیل کردند. برای بررسی روایی همگرا و واگرایی پرسشنامه تعالی پس از ضربه، بین خرده مقیاس‌های این مقیاس و پرسشنامه‌های خوش بینی، عاطفه مثبت خصلتی و عاطفه منفی خصلتی، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. همبستگی سه مقیاس پیش بین با نمره کلی پرسشنامه تعالی پس از ضربه مثبت و معنادار بود ($p < 0/01$). تحلیل عامل به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس انجام شد. تحلیل عوامل، چهار عامل را آشکار ساخت که ۶۰/۴۴ درصد واریانس را تبیین می‌کرد. این چهار عامل شامل احساس قدرت درونی، تغییر در اهداف و اولویت‌ها، احساس نزدیکی و صمیمیت با دیگران و تلاش برای حفظ روابط با دیگران است. آنان گزارش کردند که ضریب همبستگی نمرات حاصل از اجرای دوبار اندازه‌گیری ۰/۹۴ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده برای کل آزمون ۰/۹۲ و دامنه آلفا برای عوامل ۰/۶۶ تا ۰/۹۰ گزارش شد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱۳ محاسبه شد.

پرسشنامه جهت‌گیری‌های مذهبی (دینداری) توسط آلپورت و راس در سال ۱۹۵۰ تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۲۱ پرسش چهار گزینه‌ای است که میزان جهت‌گیری مذهبی افراد را می‌سنجد. گزینه‌های کاملاً مخالفم و تقریباً مخالفم، گزینه‌های منفی و تقریباً موافقم

و کاملاً موافقم گزینه‌های مثبت این پرسشنامه‌اند. این مقیاس، بر مبنای نمره‌گذاری لیکرت است. عبارت‌های بدون پاسخ نمره ۳ می‌گیرند. این آزمون در سال ۱۳۸۹ ترجمه و هنجاریابی شده است. جان بزرگی، اعتبار این مقیاس را در یک گروه نمونه ۲۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های تهران با اعتبار ۰/۷۳ بر اساس آلفای کرونباخ گزارش کرده است (۱۳۸۶). برای بررسی روایی در پژوهش شفيعی و همکاران (۱۳۹۱)، از تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین استفاده شد و ساختار ساده دو عاملی به دست آمد که می‌توانست به ترتیب ۱۴/۰۲ و ۲۸/۰۶ از واریانس جهت‌گیری مذهبی را بیان کند. در پژوهش حاضر؛ ضریب آلفای کرونباخ جهت‌گیری مذهبی ۰/۹۴۸ به دست آمد.

پرسشنامه خلاقیت توسط تورنس در سال ۱۹۶۶ تهیه شده است. این پرسشنامه شامل: ۶۰ سؤال است و هر کدام دارای سه گزینه برای پاسخ‌دهی است. این آزمون بر ویژگی‌های تفکر واگرا مبتنی است که عبارتند از: سیالی، انعطاف‌پذیری بسط یا گسترش، ابتکار یا تازگی. در پژوهش احمدی فقیه؛ ضرغام حاجی و حسینی (۱۳۹۵) ضریب آلفای کرونباخ آن‌ها به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۷۸، ۰/۸۲ و ۰/۶۹ و ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۵ به دست آمد و در پژوهش رضایی و منوچهری (۱۳۸۷) که از این پرسشنامه استفاده شده بود، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۷ گزارش شده است. در پژوهش حاضر؛ ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش نامه ۰/۹۵۹، برای خرده مقیاس‌های سیالی ۰/۸۷۳، انعطاف‌پذیری ۰/۸۷۲، ابتکار ۰/۸۷۶ و بسط یا جزییات ۰/۸۵۷ محاسبه شد. در پژوهش ثابت (۱۳۹۴) ضریب همبستگی بین خرده آزمون‌های خلاقیت تورنس و خلاقیت هیجانی آوریل، ۰/۷۴ محاسبه شد که نشان دهنده روایی همزمان این آزمون است.

پرسشنامه سبک‌های تفکر توسط استرنبرگ و واگنر در سال ۱۹۹۲ تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۶۵ سؤال است و با توجه به فرهنگ کشور ایران در پژوهش‌های پیشین ترجمه شده است (برخوردارپور و سرمد، ۱۳۷۸) که در آن پاسخ هر سؤال بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌شود. این پرسشنامه با استفاده از مقیاس لیکرت با نمره‌های (۱، ۲، ۳، ۴ و ۵)

برای هر گزینه نمره‌گذاری شد. زانگ در سال (۲۰۰۲) روایی درونی این پرسشنامه را از طریق تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی و با استفاده از چرخش اوبلیمین مطالعه کرد. چهار رگه، ۷۳ درصد از واریانس داده‌ها را تبیین کردند. استرنبرگ و گریگورنکو (۱۹۹۷) نیز با انجام تحلیل عوامل با چرخش واریماکس بر روی مواد پرسشنامه، یک ساختار ۹ عاملی را گزارش کردند که ۱۱ سبک از ۱۳ سبک تفکر معرفی شده را می‌سنجد و ۹۸ درصد تغییرات کل را تبیین می‌کند. روایی بیرونی پرسشنامه سبک‌های تفکر نیز با آزمون روابط مقیاس، مقیاس‌هایی در شاخص نوع میرس^۱ و بریگز^۲ (۱۹۸۸) و سیاهه سبک یادگیری کلب (۱۹۷۶) به دست آمد (به نقل از زانگ، ۲۰۰۶). در پژوهش احمدی فقیه، ضرغام حاجبی و حسینی (۱۳۹۵) ضرایب آلفای کرونباخ برای سبک‌های تفکر قانونی، اجرایی، قضایی، کلی، جزئی، آزاداندیش و محافظه کار و کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۶۶، ۰/۸۵، ۰/۸۸، ۰/۷۴، ۰/۶۸ و ۰/۷۴ به دست آمدند. همچنین در پژوهش عیسی زادگان و همکاران (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه در دانش آموزان دبیرستان، ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر ۳۶۲ جانباز مرد شرکت داشتند و برای بررسی و توصیف داده‌های به دست آمده از نمونه مورد مطالعه از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شد تا از چگونگی نمرات به دست آمده از متغیرهای مورد مطالعه اطلاعات لازم را کسب نمود. همچنین جهت بررسی رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج در جدول ۱ ارائه شده است:

1. Myers.
2. Briggs.

جدول ۱. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	دینداری	خلاقیت	سبک تفکر	تعالی پس از ضربه
دینداری	۵۵/۴۵	۹/۲۴۸	۱			
خلاقیت	۵۹/۰۳۷	۲۲/۹۵۱	*۰/۱۸۰	۱		
سبک تفکر	۱۱۵/۰۳	۳۱/۲۵۹	**۰/۲۷۸	**۰/۳۷۸	۱	
تعالی پس از ضربه	۷۱/۹۶	۱۵/۳۴۱	**۰/۲۳۷	**۰/۱۴۴	**۰/۴۲۳	۱

** P < 0.01 * P < 0.05

نتایج همبستگی جدول ۱ نشان می‌دهد که روابط بین تمام متغیرهای پژوهش معنادار است. رابطه سبک تفکر با دینداری و خلاقیت و نیز رابطه تعالی پس از ضربه با دینداری و سبک تفکر، در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین رابطه خلاقیت با دینداری و رابطه تعالی پس از ضربه با خلاقیت در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

شاخص های برازندگی مدل پژوهش (متغیر برونزا: دینداری) در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص های برازندگی مدل

شاخص	حد مطلوب	مقدار گزارش شده
NFI شاخص هنجار شده برازندگی	۰/۹ و بالاتر	۱
IFI شاخص برازندگی فزاینده	۰/۹ و بالاتر	۱
CFI شاخص برازندگی تطبیقی	۰/۹ و بالاتر	۱
GFI شاخص نیکویی برازش	۰/۹ و بالاتر	۱
X2/DF کای دو بر درجه آزادی	کمتر از ۳	۰/۰۰۰۱

یافته های جدول فوق نشان می‌دهد که شاخص های برازش مدل همگی در حد مطلوب قرار دارند. از جمله شاخص نیکویی برازش (GFI) در حد مطلوب و ۱ است. بنابراین می‌توان گفت که مدل اندازه گیری شده با مدل نظری برازش مطلوب دارد.

از سویی شاخص برآورد تطبیقی (CFI) نیز عدد ۱ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدل اندازه گیری شده نسبت به مدل های رقیب از برازش مطلوبی برخوردار است. از

طرفی نسبت کای دو بر درجه آزادی نیز، کمتر از ۳ و در حد مطلوب قرار دارد. اندازه‌های مربوط به بررسی تأثیرات مستقیم متغیرها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ضرایب مسیر (اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش)

مسیر متغیرها	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	سطح معناداری
دینداری ← سبک تفکر	۱/۳۳۷	۰/۲۷۸	۰/۰۰۱
سبک تفکر ← خلاقیت	۰/۳۰۲	۰/۳۷۸	۰/۰۰۱
دینداری ← خلاقیت	۰/۶۹۳	۰/۱۸	۰/۰۱۴
سبک تفکر ← تعالی پس از ضربه	۰/۲۲۶	۰/۴۲۳	۰/۰۰۱
خلاقیت ← تعالی پس از ضربه	۰/۰۹۶	۰/۱۴۴	۰/۰۴۱
دینداری ← تعالی پس از ضربه	۰/۶۰۹	۰/۲۳۷	۰/۰۰۱

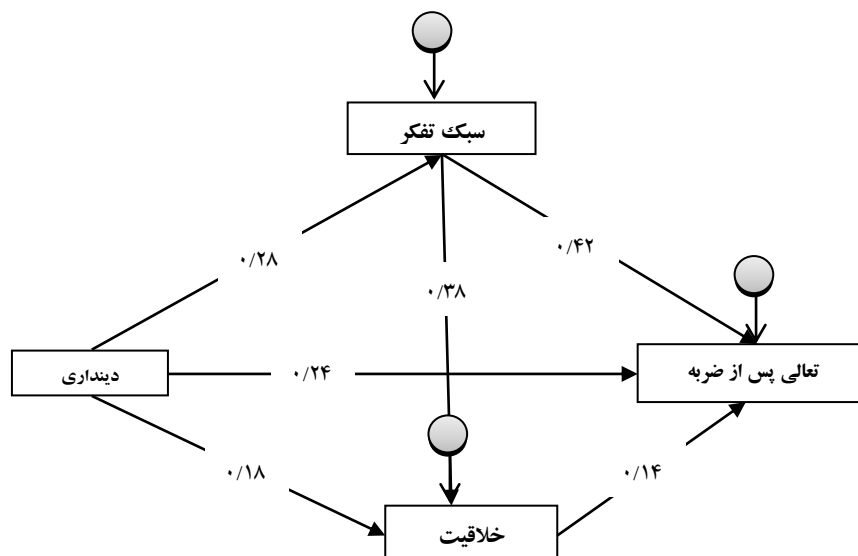
همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، تمام مسیرهای مستقیم، معنادار است. زیرا در همگی مسیرها، سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر است.

جهت برآورد و تعیین معناداری مسیرهای غیرمستقیم از روش بوت استراپ استفاده شد. یافته‌ها در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. ضرایب مسیر استاندارد شده غیر مستقیم

مسیر متغیرها	ضرایب استاندارد	سطح معناداری
دینداری ← سبک تفکر ← خلاقیت	۰/۱۰۵	۰/۰۰۰۱
دینداری ← خلاقیت ← تعالی پس از ضربه	۰/۱۵۸	۰/۰۰۰۱
دینداری ← سبک تفکر ← تعالی پس از ضربه	۰/۰۵۴	۰/۵۲۱

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تمام روابط بین مسیرهای غیر مستقیم معنادار است. به غیر از نقش واسطه‌ای سبک تفکر (در رابطه بین دینداری با تعالی پس از ضربه) که به دلیل سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۱ معنادار نیست.



شکل ۱. مدل آزمون شده (متغیر برونزا: دینداری) همراه با ضرایب استاندارد شده

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مدل ارائه شده از برازش مطلوبی برخوردار است. به عبارتی دینداری به عنوان متغیر برونزا بر خلاقیت و سبک تفکر که متغیرهای میانجی هستند، تأثیر گذاشته و نهایتاً بر تعالی پس از ضربه که متغیری درونزا است تأثیرگذار است. از طرفی بین تمام متغیرهای پژوهش (دینداری، خلاقیت، سبک تفکر و تعالی پس از ضربه) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و روابط بین تمام مسیرهای مستقیم متغیرها معنادار است. در این راستا، افزایش و بهبود چهار متغیر مورد بحث در این پژوهش می تواند راهگشای رفع بسیاری از مسائل جانبازان شود.

هرچند که مدل ارائه شده در پژوهش های پیشین یافت نشده است و مخصوصاً در جامعه جانبازان مورد مطالعه قرار نگرفته است، اما با یافته های برخی پژوهش ها به طور کلی

هماهنگی دارد. مثلاً با نتایج پژوهش کیوان، دریاییگی و علیمحمدی (۲۰۱۹) که مراقبت مذهبی و معنوی را در کاهش درد بیماران مؤثر یافتند، مشابه است.

اگر نتایج پژوهش فعلی با پژوهش‌های مشابه در زمینه متغیرهای میانجی بررسی شود؛ با یافته‌های پژوهش‌هایی که نقش میانجی خلاقیت در آنها (اما با متغیرهای دیگر) تأیید شد، همسو است (سپهریان آذر، غدیری صورمان آبادی، عبدالمحمدی و صمد زاده، ۱۳۹۹؛ اله یار، ۱۳۹۹؛ محمدی و اصغری ابراهیم آباد، ۱۳۹۹؛ عسکری، حمید زاده و عابدی، ۱۳۹۵؛ نعمتیان، کوه شوری و کیانی، ۱۳۹۵). همچنین با پژوهش‌هایی که متغیر خلاقیت را در ارتباط مثبت با متغیرهای دیگر یافتند همسو است. دهقانپور فراشاه، ثابت و نیوشا (۱۴۰۰) رابطه مثبت بین گشودگی با خلاقیت را یافتند؛ و احمدی فقیه، ضرغام حاجبی و حسینی (۱۳۹۵) که رابطه مثبت بین سبک تفکر و خلاقیت را گزارش نمودند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت یکی از مهمترین ویژگی‌های افراد خلاق ذهنی جستجوگر و آفریننده برخوردار است. در حقیقت، خلاقیت توانایی فرد برای تولید ایده‌ها، نظریه‌ها، بینش‌ها یا اشیاء جدید و بازسازی آنها در علوم و سایر زمینه‌ها است (دهقانپور فراشاه، ثابت و نیوشا، ۱۴۰۰)؛ خلاقیت و نوآوری، مرحله ای از رشد عقلی است که می‌تواند منجر به ساخت و ایجاد موقعیتی برای راحت‌تر زیستن شود (گلانو، ۲۰۱۸). باتوجه به مطالبی که در بالا بیان شد می‌توان نتیجه گرفت افرادی که خلاقیت بالایی دارند با توانایی‌های شناختی بر ویژگی‌های زیستی، روانشناختی، شخصیت و اجتماعی خود اثر می‌گذارند (متا، گریتیوو، لنگ، ۲۰۱۹). بنابراین خلاقیت موجب انتخاب چالش‌های بهینه و این امر نیز به تعالی پس از ضربه در فرد می‌شود.

نقش کلیدی متغیر خلاقیت در بسیاری از پژوهش‌ها چشمگیر بوده است و می‌توان گفت که فرد خلاق، کسی است که از ذهنی جستجوگر و آفریننده برخوردار است. در حقیقت، خلاقیت توانایی فرد برای تولید ایده‌ها، نظریه‌ها، بینش‌ها یا اشیاء جدید و بازسازی آنها در علوم و سایر زمینه‌ها است (دهقانپور فراشاه، ثابت و نیوشا، ۱۴۰۰)؛ که در متغیرهای مختلف

می تواند جایگاهی ارزشمند پیدا کند. از دیگر نتایج پژوهش این بود که دینداری اثر مستقیم، مثبت و معناداری بر تعالی پس از ضربه دارد.

یافته های پژوهش های دیگری نیز همسو با نتایج پژوهش حاضر است که عبارتند از: نتایج پژوهش حسینی مهر، عظیم زاده پارسى و رحمانی (۱۳۹۶)، نشان داد که بین دینداری و مؤلفه های سلامت روان (علائم اضطرابی و افسردگی) رابطه منفی و معنادار وجود دارد؛ به این صورت که جهت گیری مذهبی (دینداری) از طریق افزایش خوش بینی (به عنوان متغیر میانجی) در جهت کاهش اضطراب و افسردگی پیش می رود؛ همچنین یافته های پژوهش درخشان، جوکار، شمشیری و احمدی (۱۳۹۸) حاکی از آن بود که جهت گیری مذهبی (دینداری)، یکی از عوامل اصلی بررسی اضطراب مرگ در نوجوانان است. رابطه بین دینداری و اضطراب مرگ، منفی و معنادار بود. به عبارتی، دینداری باعث کاهش اضطراب مرگ می شود. باور به اینکه خدایی وجود دارد و موقعیت ها را کنترل می کند و ناظر بر نیایش عبادت کنندگان است، تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت و نیز مرگ را کاهش می دهد که باعث آرامش درونی فرد می شود. در همین راستا یافته های آسود و پاربوتی (۲۰۱۸) نیز نشان داد که برخی ویژگی های انسان مانند خودکنترلی، صداقت، روحیه همکاری و سخت کوشی) که توسط ادیان پرورش می یابند می تواند به پرورش خلاقیت کمک کند.

مک اینتاش و همکاران (به نقل از حیدری و همکاران، ۱۳۸۹) بیان می کنند که افراد مذهبی دارای روان بنه های مذهبی هستند که می توانند به آنها در پردازش شناختی مرگ کمک کند. از این یافته می توان استفاده کرد که در پژوهش حاضر نیز افراد مذهبی و دیندار می توانند در مقابله با تروما از روان بنه های مذهبی خود استفاده کرده و با انتخاب سبک تفکر مناسب و استفاده از خلاقیت خویش که متغیرهای میانجی هستند نه تنها تروما را برای خود حل کنند؛ بلکه باعث تعالی و رشد پس از ضربه نیز در آنها شود.

در مورد یافته ارتباط مسیر مستقیم دینداری با تعالی پس از ضربه در پژوهش حاضر، یافته‌ها مشابه با نتایج پژوهش اسمیت لی، هانتر، پریولی و تورنتون (۲۰۲۰) بود که روی جوانان سیاه پوستی که دچار تروما شده بودند انجام شد؛ یافته‌ها حاکی از آن بود که جهت‌گیری مذهبی (دینداری) به آنها کمک کرد تا فرآیند درد را بهتر تحمل کنند و به زندگی امیدوار باشند، ترسشان کاهش یابد و نه تنها از آنها در برابر تروما محافظت کند؛ بلکه رشد و تعالی پس از ضربه را در آنها پرورش دهد و از طرفی مشابه با پژوهش حاضر، یافته‌های لی، پارک و هیل (۲۰۱۶) است که دانشجویان کالجی را در مورد تجربه رویدادهای بالقوه پس از ضربه و طیف باورها و تفکرات مذهبی و معنوی پس از تروما مورد بررسی قرار دادند و یافته‌های آنها نشان داد که تروما بر برخی از جنبه‌های معنویت و گرایش‌های معنوی به عنوان مثال، باور به وجود خدا و تجربه آرامش روانی و دینی تأثیر می‌گذارد. همچنین همسو با نتایج پژوهشی بود که حجتی (۱۳۹۳) در مورد همسران جانبازان دچار اختلال استرس پس از سانحه انجام داد، یکی از پنج تم استخراج شده از داده‌ها، تلاش برای دستیابی به ارزش‌های متعالی بود که در واقع در ارتباط بسیار نزدیک با مفاهیم گرایش‌های معنوی و مذهبی در راستای دستیابی به تعالی پس از ضربه بود و یافته پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. به عبارتی افراد دچار اختلال پس از ضربه، تمایل به دستیابی به ارزش‌های معنوی، مذهبی و متعالی دارند تا بهتر زندگی کنند. در پژوهش‌های مشابه دیگری نیز از جمله پژوهش مصلحی، رضائیان بیلندی و رحمتی (۱۳۹۶)، رابطه مثبت و معنادار بین پایبندی مذهبی زوجین با متغیرهای دیگری از جمله رضایتمندی زناشویی یافت شده است.

در تحلیل ارتباط مستقیم سبک تفکر و خلاقیت با تعالی پس از ضربه که بیشترین تأثیر مستقیم را سبک تفکر با ضریب مسیر ۰/۴۲۳ داشت. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های حیدرزاده، رسولی، محمدی شاه بلاغی، علوی مجد، میرزایی و طهماسبی (۱۳۹۵) و فاضل، سلیمی بجستانی، فرحبخش و اسماعیلی (۱۳۹۶)، تعالی پس از ضربه با تغییر دیدگاه و نوع

تفکر فردسانحه دیده و اطرافیان، فرآیند شناخت بحران را تسهیل کرده و تغییرات مثبتی در ابعاد عاطفی و شناختی آنان ایجاد می کند که این امر بر رفتار، عملکرد و سبک زندگی آنان تأثیر مثبتی دارد. علاوه بر نظریه استرنبرگ (۱۹۹۷) که یافته پژوهش را تبیین می کند؛ به نظریه روانشناسی مثبت نگر نیز می توان مراجعه کرد. صاحب نظران روانشناسی مثبت نگر معتقدند که: افراد می توانند از طریق تجربه آسیب زا رشد کنند. برطبق این رویکرد، آسیب به صورت بالقوه به درمانجویان امکان می دهد تا تعبیرهای مثبتی از تجربیات خود بیابند؛ به عبارتی از تفکر خلاق خود استفاده کنند (هلگسون، رینولدز و تامیچ ۲۰۰۶؛ به نقل از هالجن و ویتبورن، ۲۰۱۳؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۷، ۳۰۶) و ایجاد تغییر در افکار و رفتار سبب می شود، افراد بتوانند نسبت به تغییرات محیطی، پاسخ های سازگارانه تولید نمایند (دیرولنارتوتیز، ۲۰۱۹) و یافته های پژوهش امیرخانی و حقایق (۱۳۹۶) در مورد تأثیر ذهن آگاهی بر کاهش استرس و افکار مزاحم و حساسیت اضطرابی رزمندگانی که دچار اختلال استرس پس از جنگ شدند، نشان می دهد که جانبازان مبتلا به استرس پس از ضربه در صورتی که بتوانند فن های ذهن آگاهی از قبیل فن پویش بدن، ذهن آگاهی تنفس و ذهن آگاهی افکار را اجرا کنند، می توانند افکار، احساسات و اتفاقات زندگی خود را بدون قضاوت- اشاره به نقش پیش بینی کنندگی منفی سبک تفکر قضایی در تعالی پس از ضربه در پژوهش حاضر- بپذیرند و در سبک زندگی خویش، تغییرات مثبتی به وجود بیاورند و این باعث نگرش مثبت آنها نسبت به خود و کاهش اضطراب آنان می شود. ذهن آگاهی افکار و تغییر افکار منفی به سمت افکار مثبت با به کار بردن سبک تفکر قانون گذارانه (خلاقانه) امکان پذیر است و یافته پژوهش حاضر، این موضوع را تبیین می کند.

در راستای نتیجه کلی که از این پژوهش، ویلیام جیمز (۱۳۶۷)، به نقل از آب روشن و شیخ الاسلامی، (۱۳۹۷) با اعتقاد به اینکه دین انسان، عمیق ترین و خردمندانه ترین چیز در حیات اوست، بیان می کند «دین هرکس به آن اندازه است که خود او به آن رسیده است و شخصیت هرکس پایه اصلی دین اوست». از همین رو انتظار می رود دین تکامل یافته و

آگاهانه نقشی مؤثر در رویارویی با شرایط تهدید کننده و آسیب‌زا ایفاء کند و افراد را در برابر عوامل فشار زا مقاوم و تاب آور نماید. دین و معنویت با سلامت روان نظامیان ایالت متحده آمریکا ارتباط معناداری دارد (روبنشتاین و همکاران^۱، ۲۰۲۱) و در نهایت می‌توان گفت که خلاقیت به خوبی نقش میانجی در بین دینداری و تعالی پس از ضربه را ایفاء نموده است. به عبارتی، افرادی که از دینداری بالاتری برخوردارند، بر خلاقیت آنها تأثیر بیشتری می‌گذارد و در مواجهه با تروما، به جای استرس پس از ضربه، تعالی پس از ضربه را تجربه خواهند کرد. نظریه تورنس (۱۹۹۸)، به نقل از سیف (۱۳۹۶) نیز این یافته را تأیید می‌کند؛ زیرا تورنس بر قدرت انطباق با محیط در نظریه خلاقیت خود تأکید زیادی دارد و افراد دچار تروما بیش از هر چیز دیگری، نیازمند قدرت انطباق با محیط و شرایط جدیدی هستند که برایشان به وجود آمده و یکی از مؤلفه‌هایی که این شرایط را حاصل می‌کند، دینداری است. در جمع بندی نهایی از تحلیل‌ها می‌توان گفت که خلاقیت به خوبی نقش میانجی در بین دینداری و تعالی پس از ضربه را ایفاء نموده است. به عبارتی، افرادی که از دینداری بالاتری برخوردارند، بر خلاقیت آنها تأثیر بیشتری می‌گذارد و در نهایت در مواجهه با تروما، به جای استرس، تعالی پس از ضربه را تجربه خواهند کرد. نظریه تورنس (۱۹۸۸)؛ به نقل از سیف، (۱۳۹۶) نیز این یافته را تأیید می‌کند؛ زیرا تورنس بر قدرت انطباق با محیط در نظریه خلاقیت خود تأکید زیادی دارد و افراد دچار تروما بیش از هر چیز دیگری، نیازمند قدرت انطباق با محیط و شرایط جدیدی هستند که برایشان به وجود آمده و یکی از مؤلفه‌هایی که این شرایط را حاصل می‌کند، دینداری است.

پژوهش حاضر از لحاظ جامعه آماری دارای محدودیت بوده و نمونه از بین جامعه جانبازان مرد انتخاب شده و اختصاص به منطقه خاص جغرافیایی دارد و همین مسئله باعث می‌شود در تعمیم نتایج به کل جامعه احتیاط بیشتری شود. پژوهشگران با استناد به نتایج حاصل از

1. Rubenstein & ed

پژوهش، پیشنهاد می‌کنند که پژوهشی مشابه بر روی جامعه جانبازان زن ۷۰-۲۵ درصد و جانبازان مرد و زن ۲۴-۵ درصد انجام نیز انجام شود.

سپاسگزاری: این مقاله حاصل رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در رشته روانشناسی با عنوان پیش بینی تعالی پس از ضربه بر اساس گرایش‌های معنوی و دینداری با نقش میانجی گری خلاقیت و سبک‌های تفکر در جانبازان مرد ۷۰-۲۵ شهرستان‌های استان تهران است. نویسندگان مقاله برخورد لازم می‌دانند که از همکاری و مساعدت کلیه کسانی که ما را در این پژوهش یاری رسانده‌اند، تشکر و قدردانی نماید.

منابع و مأخذ

- آب روشن، حسن و شیخ الاسلامی، راضیه. (۱۳۹۷). «پیش‌بینی تاب آوری دانشجویان بر اساس جهت‌گیری مذهبی»، فصلنامه علمی - تخصصی رهیافت فرهنگ دینی. (۱) ۲۷۹-۲۹۸.
- آب روشن، حسن و شیخ الاسلامی، راضیه. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی در رابطه با نیاز به شناخت و تاب آوری. فصلنامه روانشناسی و دین. ۱۲(۳). ۱۰۱-۱۱۹.
- احمدی فقیه، مریم، ضرغام حاجبی، مجید و حسینی، اکرم السادات. (۱۳۹۵). رابطه همخوانی/ ناهمخوانی سبک تفکر استاد - دانشجو با ابعاد خلاقیت دانشجویان، مجله علمی - پژوهشی پژوهشنامه تربیتی، ۱۲(۴۹)، ۱-۲۴.
- انجمن روانشناسان آمریکا. (۲۰۱۳). راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (ویراست پنجم). ترجمه یحیی سیدمحمدی، (۱۳۹۳)، تهران: نشر روان.
- امیرخانی، زهرا و حقایق، سیدعباس، (۱۳۹۶). اثربخشی ذهن آگاهی مبتنی بر کاهش استرس بر کیفیت خواب، افکار مزاحم و حساسیت اضطرابی بیماران مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه، مجله روانشناسی نظامی، ۸(۲۹)، ۵-۱۷.
- برخوردارپور، زهرا و سرمد، زهره. (۱۳۷۸). الگوهای تفکر، پایه تحصیلی و نوع مدرسه. مجله روانشناسی، ۱(۲۰)، ۳۶۱-۳۸۰.

پاپالیا، دایان‌ای، الدز، سالی وندکاس و فلدمن، روت داسکین. (۲۰۰۴). روانشناسی رشد و تحول انسان، ترجمه داود عرب قهستانی و همکاران (۱۳۹۵) تهران: رشد.

ثابت، مهرداد. (۱۳۹۴). هنجاریابی آزمون خلاقیت هیجانی آوریل. فصلنامه علمی - پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۵(۲)، ۷۷-۹۵.

جان بزرگی، مسعود. (۱۳۸۶). جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان. فصلنامه پژوهش در پزشکی، ۳۱(۴)، ۳۴۵-۳۵۰.

حجتی، حمید. (۱۳۹۳). تجربه زیسته همسران مصدومین دچار استرس پس از سانحه: یک مطالعه پدیدار شناسی هرمنوتیک. پایان‌نامه دکتری تخصصی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اهواز.

حسینلو، عاطفه، جمهری، فرهاد و نامور، هومن. (۱۳۹۶). پیش‌بینی تعالی پس از آسیب بر اساس گشودگی به تجربه و درک از خود با میانجی‌گری حمایت اجتماعی در جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از حادثه: مدل‌یابی معادلات ساختاری، دو فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۱۵(۱)، ۸۳-۹۱.

حسینی مهر، علی، عظیم‌زاده پارسی، آرزو و رحمانی، عذرا. (۱۳۹۹). الگوی ساختاری رابطه جهت‌گیری مذهبی و نشانه‌های سلامت روانی با میانجی‌گری خوش‌بینی، روانشناسی و دین، ۱۳(۱)، ۹۵-۱۱۰.

حیدرزاده، مهدی، رسولی، مریم، محمدی شاه بلاغی، فرحناز، علوی مجد، حمید، میرزایی، حمیدرضا و طهماسبی، مامک. (۱۳۹۵). بررسی ایجاد رشد پس از سانحه ناشی از سرطان در بیماران نجات یافته از آن، مجله علمی - پژوهشی پرستاری و مامایی جامع نگر، ۲۵(۷۶)، ۳۳-۴۱.

حیدری، اسفندیار و همکاران. (۱۳۸۹). رابطه مذهب با اضطراب مرگ و هیجان خواهی، روانشناسی، ۵۱، ۱۳(۳)، ۳۲۵-۳۴۱.

درخشان، معراج، جوکار، بهرام، شمشیری، بابک و احمدی، صادق. (۱۳۹۸). بررسی مدل علی شیوه‌های فرزند پروری، جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ، فصلنامه روانشناسی و دین. ۱۲(۱)، ۷۳-۸۶.

دهقانپور فراشاه، مرضیه، ثابت، مهرداد و نیوشا، بهشته. (۱۴۰۰). تبیین رابطه ساختاری بین صفات شخصیت و خلاقیت بر اساس نقش میانجی گر هوش و دانش. *نشریه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*. ۱۱(۱)، ۱۸۹-۲۱۲.

رضایی، سعید و منوچهری، مهشید. (۱۳۸۷)، بررسی اعتبار، روایی و هنجاریابی آزمون خلاقیت تورنس در بین دبیران دبیرستان‌های تهران، *مجله علمی - پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، ۸، ۴۸-۶۷.

سپهریان آذر، فیروزه، غدیری صورمان آبادی، فرهاد، عبدالمحمدی، کریم و صمد زاده، فریبا. (۱۳۹۹)، نقش میانجی خلاقیت در رابطه بین اهداف پیشرفت و انگیزه پیشرفت دانشجویان، *نشریه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۱۰(۱)، ۱۸۹-۲۰۸.

سید محمودی، سید جواد، رحیمی، چنگیز و محمودی، جابر. (۱۳۹۲). ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه رشد پس از سانحه (PTGI)، *روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۳(۱۲)، ۹۳-۱۰۸.

سیف، علی اکبر. (۱۳۹۶). *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*، تهران: نشر دوران، (کتاب اصلی در سال ۱۳۹۱ منتشر شده است)

شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا. (۱۳۹۶). *نظریه‌های مشاوره و روان درمانی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

عسگری، ناصر، حمیدی زاده، علی و عابدی، رضا. (۱۳۹۵). نقش میانجی خلاقیت، نوآوری و سلامت روانی در تأثیر هوش معنوی بر عملکرد فردی کارکنان، *فصلنامه مدیریت دولتی (دانش مدیریت)*، ۸(۳)، ۵۳۳-۵۵۲.

عسگریان، سمیه، اصغری، محمدجواد و حسن‌زاده، محمدحسن. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله دینی بر تاب آوری، انطباق پذیری و مدیریت فشار روانی همسران جانبازان، *فصلنامه طب جانباز*، ۶(۲۱). ۶۰-۶۸.

عیسی زادگان، علی، میکائیلی‌منبع، فرزانه، جناآبادی، حسین و قلی‌نژاد، فریده. (۱۳۹۲)، مقایسه سبک‌های تفکر و خلاقیت هیجانی در بین دانش آموزان تیزهوش و عادی، *فصلنامه افراد استثنایی*، ۳(۱۱). ۸۷-۱۰۵.

فارسی، زهرا و آزر می، سمیه. (۱۳۹۴). مروری بر تجارب به ثبت رسیده کارکنان حرف‌های مراقبت بهداشتی در طول جنگ‌های مختلف با تمرکز بر جنگ عراق علیه ایران، مجله علوم مراقبتی نظامی، ۲(۴)، ۲۴۶-۲۵۳.

فاضل، مرتضی، سلیمی بجستانی، حسین، فرحبخش، کیومرث اسماعیلی، معصومه. (۱۳۹۶). مطالعه‌ای با عنوان «ارائه الگوی رشدپس از سانحه در بیماران سرطانی: مطالعه گرانددتئوری»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی ۸(۲۹). ۱۰۵-۸۰.

قدم پور، عزت الله، خلیلی گشنیگانی، زهرا، عالی پور، کبری. (۱۳۹۹). تأثیر آموزش تفکر مبتنی بر مثبت‌نگری بر عمل به باورهای دینی و خودکنترلی، مجله علمی پژوهشی روانشناسی و دین، ۱۳(۱)، ۴۹، ۵۷-۶۹.

محمدی، حانیه و اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد. (۱۳۹۹). نقش میانجی‌گری تفکر خلاق در رابطه تمایز یافتگی خود و خود شکوفایی زوجین مشهد، نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۴(۵۰)، ۱۰۷-۱۲۴.

مصلحی، جواد، رضائیان بیلندی، حسین و رحمتی، امین. (۱۳۹۹). نقش همانندی/تضاد ویژگی شخصیتی درون‌گرایی/برون‌گرایی و پایبندی مذهبی زوجین در پیش‌بینی رضایت زناشویی، فصلنامه روانشناسی و دین، ۱۳(۱)، ۹۳-۱۱۰.

مهرابی، حسینعلی، نوروزی، ستار، میرزایی، غلامرضا، کاظمی، حمید. (۱۳۹۳). تبیین رشد پس از ضربه بر اساس شیوه‌های با مقابله با استرس، سبک‌های دل‌بستگی و کیفیت زندگی در جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه، مجله پرستار و پرشک در رزم، ۴(۲)، ۱۵۳-۱۶۱.

نعمتیان، محمود، شاولی کوه شوری، عباس و کیانی، رمضان. (۱۳۹۵). بررسی نقش میانجی خلاقیت بین سبک‌های رهبری با بهره‌وری در مدیران مدارس مقطع متوسطه دوره اول شهرستان بهبهان. دومین کنفرانس بین‌المللی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد.

اله یار، منصور. (۱۳۹۹). نقش میانجی خلاقیت در رابطه بین خودکارآمدی شغلی و کارآفرینی کارکنان آموزش و پرورش شهر بیرجند. فصلنامه مدیریت و چشم‌انداز آموزش، ۲(۱)، ۱-۱۸.

هالچین، ریچارد پی و ویتبورن، سوزان کراس. (۲۰۱۳). آسیب‌شناسی روانی: جلد دوم، ترجمه یحیی سید محمدی، (۱۳۹۷)، تهران: نشر روان.

وولف، دیوید ام. (۱۹۹۷). روانشناسی دین، ترجمه محمددهقانی (۱۳۹۳)، تهران: رشد.

- Ajoudani, Fardin, Jafarizadeh, Hossein and Kazamzadeh, Jafar. (2019). Social support and Posttraumatic growth in Iranian burn survivors: The mediating role of spirituality. *Burns Journal*, 10(13), 1-9.
- Assouad, A., and Parboteeah, K. P. (2018). Religion and innovation. A country institutional approach. *Journal of Spiritual Religion*. 15, 20–37.
- Briere, J. N., & Scott, C. (2014). Principles of trauma therapy: A guide to symptoms evaluation, and treatment (DSM-5 update). Sage Publications.
- Calhoun, L. G., & Tedeschi, R. G. (2006). *The foundations of posttraumatic growth: a expanded framework*. In L. G. Calhoun, & R. G. Tedeschi (Eds.). Handbook of posttraumatic growth: Research and practice (pp. 3–23). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Dheer, R.J.S., Lenarctowicz, T. (2019). Cognitive flexibility: Impact on entrepreneurial intentions. *Journal of Vocational Behavior*, 115, 103-10.
- Glăveanu, Vlad Petre (2018). Educating which creativity?, *Thinking Skills and Creativity*, 27, 25–32
- Gul, E and Karanci, AN. (2017). What Determines Posttraumatic Stress and Growth Following Various Traumatic Events? A Study in a Turkish Community Sample. *Journal of Trauma Stress*, 30(1), 54-62 .
- Harris, K. A., Howell, D. S. and Spurgeon, D. W. (2018). Faith concepts in psychology: Three 30-year definitional content analyses. *Psychology of Religion and Spirituality*, 10(8), 1_29
- Hawkins, N.A., Soman, A., Buchanan Lunsford, M., Leadbetter, S & Rodriguez, J. L. (2017). Use of Medications for Treating Anxiety and Depression in Cancer Survivors in the United States. *Journal of Clinical Oncology*, 35(1):78-85.
- Iftikhar Ahmed Charana, Shen Xina, Wang Zezhuangb, Dewei Yaoa. (2020). Rethinking efficacy: People's perception of ritual

healing and trance religious practices at shrines in Pakistan. *Asian Journal of Psychiatry*, 52(2020),102020.

Joseph, S., & Linley, P. A. (2008). Psychological assessment of growth following adversity: A review. *Trauma, recovery, and growth: Positive psychological perspectives on posttraumatic stress*, 18(2) 21-38.

Jocelyn R. Smith Lee, Andrea G. Hunter, Fernanda Priolli, Veronica J. (2020). Thornton “Pray that I live to see another day”: *Religious and spiritual coping with vulnerability to violent injury, violent death, and homicide bereavement among young Black men Journal of Applied Developmental Psychology*, 70, 101-180

Keivan, Nafiseh, Daryabeigi, Reza and Alimohammadi, Nasrollah. (2019). Effects of religious and spiritual care on burn patient’s pain intensity and satisfaction with pain control during dressing changes. *Burns Journal*, 45(7), 1605-1613.

Koeing, H. G. (2007). Religion and remission of depression in medical inpatients, *The Journal of nervous and mental disease*, v. 165 (5), p. 389-395.

Larner, B. and Blow, A. (2011). A model of meaning-making coping and growth in combat veterans. *Review of General Psychology*, 15(3), 187-197.

Lee, S. Y., Park, C. L. and Hale, A. E. (2016). Relations of trauma exposure with current Religiousness and spirituality. *Mental Health, Religion & Culture*, 19, 493-505

Mattaa, Michael, Gritta, Emanuela Saveria, Lang, Margherita. (2019). Personality assessment of intellectually gifted adults: A dimensional trait Approach Learning and Individual Differences.

Nur Cayirdag. (2017). Creativity Fostering Teaching: Impact of Creative Self-efficacy and Teacher Efficacy *EDUCATIONAL SCIENCES: THEORY & PRACTICE*, December 2017 .17 (6) .1959–1975

Pargament, Hill, P. C., K. I., Hood, R. W., McCullough, M. E., Swyers, J. P., Larson, D. B., & Zinnbauer, B. J. (2000). Conceptualizing religion and spirituality: Point of commonality, points of departure. *Journal for the Theory of Social Behaviour*, 30, 51–77.

- Pargament, K. I., Koenig, H. G., & Perez, L. M. (2000). The many methods of religious coping: Development and initial validation of the RCOPE. *Journal of Clinical Psychology*, 56, 519_543.
- Rubensteinab Harold G.KoenigcdDeborah B. (2021(. Marinef Vanshdeep Sharmae filan Harpaz RotemabRobert H.Pietrzakabg Religion, spirituality, and risk for incident posttraumatic stress disorder, suicidal ideation, and hazardous drinking in U.S. military veterans: A 7-year, nationally representative, *prospective cohort study Journal*,295, 1, 1110-1117.
- Soh, k. (2017). Fostering Student Creativity through teacher behaviors. *Thinking Skills and Creativity*, 23, 58-66.
- Smith Lee, Jocelyn R, Hunter, Andrea G, Prilli, Fernanda and Thornton, Veronica.J.(2020).Pray that I live to see another day:Religious and spiritual coping with vulnerability to violent injury ,violent death and homicide bereavement among young Black men.*Journal of Applied Development Psychology*.70(10).1-11.
- Sternberg, R.J. (1997).*Thinking Styles*.New York: Cambridge University Press.
- Tedeschi, R & Calhoun, L. (2011). The Posttraumatic Growth Inventory: Measuring the Positive Legacy of Trauma. *Journal of Traumatic Stress*. 9(3), 455-471.
- Sigala, M., & Chalkiti, K. (2015). Knowledge management, social media and employee creativity. *International Journal of Hospitality Management*, 45, 44–58
- Tedeschi, R., Park, C., & Calhoun, L. (Eds.) (2017). Posttraumatic Growth: Positive Changes in the Aftermath of Crises. Mahwah, N.J.: Lawrence Erlbaum Associates.
- Ter Kuile, H., & Ehring, T. (2014). Predictors of changes in religiosity after trauma: Trauma, religiosity, and posttraumatic stress disorder. *Psychological Trauma: Theory, Research, Practice, and Policy*, 6, 353_360.
- Wilt, J. A., Exline, J. J., Grubbs, J. B., Park, C. L., & Pargament, K. I. (2016). God's role insuffering: Theodicies, divine struggle, and mental health. *Psychology of Religion and Spirituality*, 8, 352_362.



Yeung, N. C., & Lu, Q. (2018). Perceived Stress as a Mediator between Social Support and Posttraumatic Growth among Chinese American Breast Cancer Survivors. *Cancer Nurs.*41 (1), 53-61.

Zhang, L. F. (2006). Does Student – Teacher Thinking Style Match/ Mismatch in Student Achievement? *Educational Psychology*, 26. 395 – 409.

Zhang, L.F. (2002). Thinking Styles and the Big Five personality Traits. *Journal of Educational Psychology*, 22(1), 3-17.